



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

مجموعه متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

۴شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۲۷

مدیر: سید محمد باقعی

سال چهارم - شماره ۱۰۸۳

صفحه ۳۶۰۳

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۳۵

روزنامه یومیه

فهرست مذاکرات

- ۱- صورت مشروح مذاکرات صدم یازدهمین جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۷
- ۲- آگهی های رسمی

وضعت ثابت جهانی هنگام امضاء منشور ملل منع و سکوت سازمان ملل در این مورد توضیح دادند

آقای دهقان مذاکرات آقای عباس اسکندری را راجع باخذ حقوق از اداره تبلیغات و وزارت کار تکذیب و تصریح نمودند که کارمندان تأثر تهران در رادیو کار میگردند و شخصاً هم بمقامی در این مورد تحمل خسارت کرده اند

آقای عباس اسکندری ضمن پاسخ بیانات آقای دهقان پیمان منتهی به بیان اظهارات و اقراآت کرده گفتند نمایندگان مجلس نباید بیودجه کشور تحمل شوند و چیزی از صندوق دولت دریافت نمایند

آقای دهقان نیز توضیحاتی در این باره دادند و آقای دکتر شفق بر طبق ماده ۱۲۸ نظامنامه باین قبیل مذاکرات اعتراض نمودند - در این موقع اقتراع شد بعمل آمد و از ۱۰ نفر حاضر برای هر شب ۱۷ نفر ممین شدند و شب ۱ و ۲ و ۳ و ۴ هر يك يك نفر اضافه شد و انتخاب کمیسیونها بجلسه آینده معلوم گردید

آقای آزاد در دنباله استیضاح خود راجع بلوا بیج دولت در مجلس و موافقین و مخالفین آن و تمرکز قدرت در مجلس شورای ملی از نظر کلی اصولی شرحی بیان داشتند و دواصل اول و دوم قانون اساسی را اقراآت و باالیات رسومات اعتراض نمودند و نیز به نتیجه اعلان متعلقین در مقامات عالیه اشاره و تصریح کردند که روی سخن ایشان بشخصی معینی نبوده ولی قدرتی که ملت ایران بمجلس سپرده است نمایندگان با قیمت جان باید آن را حفظ کنند سپس در باب

مذاکرات مجلس

جلسه ۱۱۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز يك شنبه نهم آبان ماه ۱۳۲۷
فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت جلسه
 - ۲- طرح و تصویب تبصره دوم از ماده واحده یکدوازدهم راجع باضافات
 - ۳- انتخاب کمیسیونها
 - ۴- طرح بقیه استیضاح آقای آزاد
 - ۵- موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه
- مجلس ساعت ده و چهل دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت جلسه

صورت جلسه قبل را آقای فولادند (منشی) اقراآت کردند

ابوالقاسم بهبهانی - محمد ابراهیم امیر تیمور - حسن بری - دکتر جلال عبده - ابوالحسن رضوی - فرج الله آصف - جواد ملک پور - حسین وکیل - ناصر الدین ناصری - محمد تقی بهار - پیمان اسکندیاری - حاج محمد تقی خوئینر - دکتر ابوالحسن ملکی - سید عباس فاضلی - صفا امامی

آقای رحیمیان گفتند روزنامه رسمی مذاکرات مجلس را بموقع انتشار نمیدهند که نمایندگان مورد استفاده قراردادند و اقراآت آقای وزیر جنگ را بمدار مطالعه صورت مشروح خواهند داد

آقای رئیس بیان داشتند که این موضوع مورد توجه هیئت رئیسه است

آقای عباس اسکندری در باب تغییر ناظر بودن

نیمساعت قبل از ظهر روز پنجشنبه ششم آبان مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه پیش اقراآت گردید
اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است:
غائبین با اجازه - آقایان: عزت الله بیات - علی محمد فضائلی - هدایت الله بالیزی - رستم کیو - حاج آقا رضا رفیع - عبدالحمین اورنگ - محمد ذو الفقاری - سیدعلی بهبهانی - جواد کنجه - ابوالقاسم ایقوانی - محمد ساعد مراغه

غائبین بی اجازه - آقایان: محمد حسین سولت قشقای - ابوالفضل حانقی - اردشیر شادلو - محمد علی دادور - عباس قبادیان - نصر الله لاهوتی - ابوالفضل تولیت - کامل ماگرونی - احمد اخوان

● این مذاکرات مشروح یکصد و یازدهمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

مال وضع فعلی شرحی از منی مدارج اداری و اعتبار کارمندان دولت با اعتبار از مافوق بیان گردند و از تاریخ بعد از ظهر مجلس خانه یافت و بروز یکشنبه معلوم گردید.

رئیس - نسبت به صورت مجلس نظری نیست؟
دهقان - بنده مرضی دارم.
رئیس - بفرمائید.

دهقان - در جلسه قبل آقای عباس اسکندری معاینه را که اینجا از روی پشت بوم خوانده اند استماع کردم که مقام ریاست تقدیم کنند که مورد بررسی قرار بگیرد توجه فرمودند. به تمامه هم از طرف وزارت کار بتوان مجلس تقدیم شده که تقدیم میکنم و استماع میکنم اثراتش شود.

رئیس - دیگر به صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد خیر) صورت مجلس جلسه پیش تصویب شد. دوسه نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند (نمایندگان دستور - دستور) (دستور)

فرامرزی - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام.
رئیس - وقتی وارد دستور شدیم پیشنهاد شما مطرح خواهد شد. فعلا نطق قبل از دستور مقدم است. پس نظر آقایان اینست که در دستور شوریم؟

اردلان - آقای رئیس بنده عرضی داشتم.
رئیس - خوب مجلس که موافقت نمیکند. حالا وارد دستور میشویم و نامه آقای دهقان قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

مجلس مقدس شورای ملی چون در جلسه اخیر مجلس اظهار شده است که آقای احمد دهقان نماینده خاندان ماهی هفت هزار ریال بنام حق مشاوره از وزارت کار و تبلیغات دریافت میدارند برای روشن شدن حقیقت امر باستحضار میرساند که آقای احمد دهقان بهیچ عنوان وجهی از وزارت کار دریافت نداشته و نمی داند معاون وزارت کار - رئیس بهادری - وزارت کار که رسمیت ندارد.

۲ - طرح و تصویب تبصره دوم از ماده واحده یکدوازدهم راجع باضافات
رئیس - پیشنهادی از آقای فرامرزی رسیده که ماده دوم لایحه یکدوازدهم مطرح شود قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مقدم بر سایر مطالب تبصره دوم از ماده واحده راجع یکدوازدهم مهرازم مطرح شود.

رئیس - بفرمائید توضیح بدهید.
فرامرزی - اگر آقایان بغاظر داشته باشند تصویب بودجه یکدوازدهم دوی پیشنهادی بود که جناب آقای دکتر مین دفتری دادند و پیشنهاد ایشان اینطور بود که در این جلسه تجزیه شود این یکدوازدهم و تبصرهها و پیشنهادها بعد مبنی بر در مجلس ارائه باید یعنی در جلسه بعد این پیشنهادها و تبصرهها خوانده شود و بنابر این متوقف ماندن این کار و بی نتیجه دیگری بجای آن آمدن بر خلاف رأی مجلس بوده است. این هم همان چیزی است که بنده از اول بآن اعتراض کرده و نمی دانم که چرا واقع می شود که همان مثل حکایت کلبه و دونه پیش می آید که یک حکایت هنوز تمام نشده میگردند چگونه بود آن حکایت و در نتیجه پشت سر هم دارد

می آید و موضوعات مبادی و موضوع اولی را از بین میرد و هیچ کدامم بانام نیرسد حالا هم مبنی بر است مثلا استیضاح را آقایان میگویند که ادامه پیدا کند البته استیضاحی شده باید تمام بشود و من هم نمیدانم چرا استیضاحی میشود که بعد دولت و موافقین او جوابی خواهند داد بعد مجلس. ای اعتماد بدولت

بدهد ولی بعد هیچک از اولا بح دولت راهم تصویب نخواهد کرد (صحیح است) آنگاه به پارتی بی که مردانه رد کنند آنگاه کس میدهد اینقدر این دست و آن دست میکند و اینقدر موضوع در موضوع می آورد و اینقدر مجلس را از اکثریت می اندازد تا بالاخره نتیجه این میشود که مجلس تمام میشود و هیچ لایحه ای نیکند در این تبصره یعنی تبصره دوم که بنده پیشنهاد کرده راجع باضافات و ترفیعات مستخدمین دولت است که در سال ۲۶ گرفته اند و مربوط است که یک نفر یک لایحه پیدا کرد بعد کم کرد و خیلی دلش سوخت یکی یک لایحه پیدا نکرد و کم هم نکرد و دلش سوخت یک حق را که آدم کسب کرد و وقتی از دستش گرفتند متاثر میشود. یک اشاقاتی برای مستخدمین دولت تصویب شده در سال گذشته هم گرفته اند برای اینکه از مجلس صرفه جوئی گرفته اند امسال در متن بودجه گذاشته شده بودجه هم نگذاشته و اینها نمیگیرند ماه هشتم سال هم دست طبع اینها عیبانی میشوند و متاثر میشوند آنوقت یک ده تومان هم مال مستخدمین جزم هست (صحیح است) در این اضافات یک مستخدم جزئی که بارش با ده تومان باری میشود (صحیح است) یا کسرهائی که از حقوقش میشود چیزهائی که از اضرار زده میشود تمام این برای آن مستخدم روز یک خروار ذغال میشود (صحیح است) و این یک خروار ذغال از برای مستخدمی که میتواند زمستان خودش را با آن بگذراند یعنی حساب خود و خانواده اش را با آن اداره کند مهم است اما برای ما که اگر یک رای بان

بدهیم اهمیت ندارد ولی برای او مسئله حیاتی است مثلا مستخدمین پست و تلگراف را فرض بفرمائید که حتی سال ۲۶ هم نگرفته اند یک نامه رسان ۹۶ تومان حقوق بگیرد ۳۰ تومان از ۹۶ تومان برای چرخ از او کم میشود میماند برای او ۶۶ تومان فکر بفرمائید با این کرانی باین وضع زندگی یک نفر که زن و بچه و عیال دارد ۶۱ تومان حقوق بگیرد با این ۶۱ تومان امروز در یک جای مناسب یک اطاق باقم نمیدهند آنوقت ده تومان که این آدم بید بگیرد برای نظریات سیاسی که چند نفر با هم دارند بگیریم و بنشینیم و این را رو کردی کنیم و حقوق یکمشت آدم ضعیف را بیاوریم کنیم این خلاف انصاف است (صحیح است) این بیچارگان با مال دسته بندی سیاسی یک چند نفری نشود (صحیح است)

رئیس - آقای دکتر معضی موافقت؟
دکتر معظمی - بنده مرضی ندارم.
رئیس - آقای امامی اهری مخالفند؟
امامی اهری - بنده موافقم.
رئیس - آقای امامی خوئی مخالفند؟

تبصره دوم - مبلغ یکصد و هشتاد میلیون ریال اعتبار ماده ۶۸ بودجه پیشنهادی سال ۲۷ کشور موضوع کسر اعتبار ترفیع و اضافات کارمندان و خدمتگزاران تصویب وزارت دارائی اجازه داده می شود ترفیع و اضافات مشمولین تبصره ۱ ماده اول قانون مصوب خرداد ۱۳۲۷ را بابت سال جاری از محل اعتبار بالا پرداخت نماید مبلغ احتیاجی بزرگ از وزارتخانهها ادارات و دستگاههای دولتی با تشخیص وزارت دارائی بودجه سال جاری آنها علاوه و مورد استفاده واقع خواهد شد.

رئیس - آقای ملک مدنی - بنده موافقم.
رئیس - آقای صفوی - بنده موافقم.
رئیس - پس کسی مخالف نیست؟
نمایندگان - رأی رأی.
رئیس - اگر کسی مخالف نباشد رأی گرفته می شود.

امامی خوئی - بنده موافقم.
رئیس - آقای مصباح زاده - بنده مخالف ورود در دستور هستم.
رئیس - آقای دکتر اعتبار - بنده موافقت؟
دکتر اعتبار - بفرمائید.

تمام فرمایشاتی که جناب آقای فرامرزی اینجا فرمودند و خیال میکنم که تمام نمایندگان معترزم هم علاقه مند باشند که اضافات مستخدمین تصویب شود ولی آقایان یک موضوع را در نظر بگیرند و آن اینست که یک دولتی از آن در مملکت سر کار است که مدتی است تحت استیضاح است این که هر دو روزی یکمرتبه ما اینها یک صحبتی راجع به یک موضوع بکنیم و بعد هم بنده شویم برویم و بعد یک موضوع دیگر را مطرح کنیم این برای وضع مملکت خوب نیست! و واقعا اگر یک گرفتاری در مملکت پیدا شده دولت باشعفی که ندارد قادر بانجام هیچ کاری نیست! ما موظف هستیم که تکلیف دولت را معین بکنیم. بنده مخالف دولت هستم ولی آقایان که موافق دولت هستند باید اینجا بیایند و اصرار بکنند که تکلیف دولت زودتر معلوم شود. دولت که نمیتواند اینطور کار کند و هر روز آقایان وزراء از کارهایشان باز میانند و اینجا حاضر می شوند. موافقین دولت باید جدیت کنند و بدولت رأی بدهند و بعد دولت بیاید و کار کند اینکه وضع مجلس نیست اما راجع به تبصره تمام آقایان موافقت باین تبصره ولی بشرطی که وقتی رأی دادیم بعد از آن چیز دیگری مطرح نشود و استیضاح را دنبال کنیم و به نتیجه برسیم.

(شرح زیر قرائت شد)

امامی خوئی - بنده موافقم.
رئیس - آقای دکتر مصباح زاده - بنده مخالف ورود در دستور هستم.

رئیس - آقای دکتر اعتبار - بنده موافقت؟
دکتر اعتبار - بفرمائید.

دکتر اعتبار - عرض شود بنا تصدیق تمام فرمایشاتی که جناب آقای فرامرزی اینجا فرمودند و خیال میکنم که تمام نمایندگان معترزم هم علاقه مند باشند که اضافات مستخدمین تصویب شود ولی آقایان یک موضوع را در نظر بگیرند و آن اینست که یک دولتی از آن در مملکت سر کار است که مدتی است تحت استیضاح است این که هر دو روزی یکمرتبه ما اینها یک صحبتی راجع به یک موضوع بکنیم و بعد هم بنده شویم برویم و بعد یک موضوع دیگر را مطرح کنیم این برای وضع مملکت خوب نیست! و واقعا اگر یک گرفتاری در مملکت پیدا شده دولت باشعفی که ندارد قادر بانجام هیچ کاری نیست! ما موظف هستیم که تکلیف دولت را معین بکنیم. بنده مخالف دولت هستم ولی آقایان که موافق دولت هستند باید اینجا بیایند و اصرار بکنند که تکلیف دولت زودتر معلوم شود. دولت که نمیتواند اینطور کار کند و هر روز آقایان وزراء از کارهایشان باز میانند و اینجا حاضر می شوند. موافقین دولت باید جدیت کنند و بدولت رأی بدهند و بعد دولت بیاید و کار کند اینکه وضع مجلس نیست اما راجع به تبصره تمام آقایان موافقت باین تبصره ولی بشرطی که وقتی رأی دادیم بعد از آن چیز دیگری مطرح نشود و استیضاح را دنبال کنیم و به نتیجه برسیم.

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای فرامرزی تصویب شد. قسمت کمیسیونها هم امروز بایستی انتخاب شود (صحیح است) حالا تبصره دوم قرائت می شود که رأی بگیریم.

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای فرامرزی تصویب شد. قسمت کمیسیونها هم امروز بایستی انتخاب شود (صحیح است) حالا تبصره دوم قرائت می شود که رأی بگیریم.

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای فرامرزی تصویب شد. قسمت کمیسیونها هم امروز بایستی انتخاب شود (صحیح است) حالا تبصره دوم قرائت می شود که رأی بگیریم.

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای فرامرزی تصویب شد. قسمت کمیسیونها هم امروز بایستی انتخاب شود (صحیح است) حالا تبصره دوم قرائت می شود که رأی بگیریم.

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای فرامرزی تصویب شد. قسمت کمیسیونها هم امروز بایستی انتخاب شود (صحیح است) حالا تبصره دوم قرائت می شود که رأی بگیریم.

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای فرامرزی تصویب شد. قسمت کمیسیونها هم امروز بایستی انتخاب شود (صحیح است) حالا تبصره دوم قرائت می شود که رأی بگیریم.

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای فرامرزی تصویب شد. قسمت کمیسیونها هم امروز بایستی انتخاب شود (صحیح است) حالا تبصره دوم قرائت می شود که رأی بگیریم.

رئیس - رأی گرفته می شود پیشنهاد آقای فرامرزی تصویب شد. قسمت کمیسیونها هم امروز بایستی انتخاب شود (صحیح است) حالا تبصره دوم قرائت می شود که رأی بگیریم.

دکتر معظمی - اجازه بفرمائید؟
رئیس - بفرمائید.

دکتر معظمی - بنده میخواهم تذکر بدهم که تبصره معنای ندارد و نمیتوان ماده واحده جداگانه باید مطرح شود. چون ماده واحده یکدوازدهم گذشته است.

رئیس - رأی داده شد که دنباله آن قانون همانطور پیشنهادات مطرح شود.

دکتر معظمی - غرض اینست که ماده واحده ابلاغ شد بدولت و این یک قانون علیحده میخواهد.

رئیس - دنباله همان است که مجلس رأی داد. پس باورقه رأی گرفته می شود آقایان موافقتین باورقه سفید بدهند. حاضر ۸۸ نفر.

صفوی - بنده پیشنهادی دارم.
رئیس - اعلام رأی شده است دیگر.

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمد ۷۳ ورقه سفید شماره شد)

رئیس - تبصره دوم لایحه دولت بعنوان ماده واحده با ۷۳ رأی تصویب شد.

اسامی رأی دهندگان: آقایان - رحیمیان. دکتر مصباح زاده. اردلان. دکتر فلسفی. تراقی مهدی ارباب. بوداغبان. ارباب کیو. اسلامی.

حسن مکرّم. شریعت زاده. صادقی. علی بهبهانی. ملکی. فولادوند. دکتر مجتهدی. دکتر متین دفتری. صاحب جمع. بهاءالدین کهید. پالیزی.

شکرالله صفوی. کشاورز صدر. حبیب الله امین. نورالدین امامی. موسوی. آشتیانی زاده. حسن کتابادی. دهقان. علی اقبال. نواب یزدی.

اسامی اهری. دکتر امینی. ناصر ذوالفقاری. زنگنه. بانامانقلیب. عبدالعزیز نیکبور. دوانشاهی.

دکتر آشتیانی. مهدی مشایخی. هراتی. ظفری سلطانی. کرگانی. عربشینی. جواد عامری. کفائی. سلطان العلماء. مصنف. منتهی دماوندی.

خسرو هدایت. دکتر راجی. دکتر طباطبائی. محمود معبود. کلبادی. شریف زاده. دکتر اعتبار. احمد فرامرزی. افشار. ایقوانی. سید هاشم وکیل. مامقانی. دکتر شفق. عبدالرحمن فرامرزی. شهاب خسروانی. عباسی. صدر زاده آزاد. ملک مدنی. محمدعلی محمودی. علوی وکیل.

(یک کارت سلطان العلماء یک ورقه موافق بدون اسم)

ورقه سفید علامت امتناع ۵ برگ

۳ - انتخاب کمیسیونها
رئیس - حالا شروع میشود بان انتخاب کمیسیونها و بدو نفر از آقایان برای استخراج آراء کمیسیونها بهکم فرقه انتخاب میشوند (اقتراع بعمل آمد و آقایان زیر انتخاب شدند)

آقایان: حسن مکرّم. منوچهر کلبادی. ارباب کیو. ابوالقاسم امینی. دکتر مجتهدی.

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون قوالت دارائی. اعضا ۱۸ نفر. حاضر ۸۹ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

عباس اسکندری - اجازه بفرمائید بنده

تیمی دارم که بنده را در هیچک از کمیسیونها ننویسند.

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون دادگستری. اعضا ۱۸ نفر. حاضر ۹۰ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

صادقی - اجازه بفرمائید در کمیسیون فرهنگ بنده دیده اسم بنده را نوشته اند چون کاندید عضویت کمیسیون فرهنگ آقای حذقی بودند بنابر این تقاضا میکنم آقایان اصلاح بفرمائید.

رئیس - حالا شروع میشود بان انتخاب کمیسیون کشور. اعضا ۱۸ نفر. حاضر ۹۰ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع می شود بان انتخاب کمیسیون فرهنگ. اعضا ۱۸ نفر. حاضر ۹۰ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون بازرگانی و پیشه و هنر. اعضا ۱۸ نفر. حاضر ۹۰ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون وزراء. اعضا ۱۸ نفر. حاضر ۹۲ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون کشاورزی. اعضا ۱۸ نفر. حاضر ۹۲ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون خارجه. اعضا ۱۸ نفر. حاضر ۹۱ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون راه. اعضا ۱۲ نفر. حاضر ۹۱ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون بهداری. اعضا ۱۲ نفر. حاضر ۸۸ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون نظام. اعضا ۱۲ نفر. حاضر ۸۶ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون نظام. اعضا ۱۲ نفر. حاضر ۸۶ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون پست و تلگراف. اعضا ۶ نفر. حاضر ۸۳ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - شروع میشود بان انتخاب کمیسیون پست و تلگراف. اعضا ۶ نفر. حاضر ۸۳ نفر. (اخذ رأی بعمل آمد)

رئیس - از آقایان مستخرجین تقاضا میشود که هر چه زودتر این آراء را استخراج کنند و گزارشش را به مجلس بدهند از طرف هیئت رئیسه هم آقای صدر زاده نظارت میکنند خواهستم عرض کنم که آقایان هیئت رئیسه شبها هم انتخاب بکنند و از هر شعبه یک نفر برای کمیسیون عرایض و مرخصی و دو نفر برای کمیسیون متبکرات انتخاب کنند حالا وارد میشود در موضوع استیضاح. آقای آزاد بفرمائید.

۴ - طرح بقیه استیضاح آقای آزاد
آزاد - صحبت بریزد بنده در اطراف مجلس شورای ملی بود چرا مجلس شورای ملی از قدرتی که منت باو تفویض کرده است نمی تواند استفاده کامل بکند.

عسکری - اکثریت نیست آقای آزاد.
رئیس - تحمل فرمائید این تقریر داشت این غلام خوبی شرف بود او را هفته ای یک مرتبه و دو مرتبه با شلاق میزد و تنش را سیاه میکرد بعد این غلام را فروخت و این شروع کرد بدست دهنه ای تهیه کرد و مشغول شد بر اهزلی. قافله را میزد. چندین مرتبه حاکم چند نفر فرستاد که او را بگیرند سواران حاکم شکست میخوردند. این تاجر یک دهنه با قافله ای مسافرت کرد در این بین غلام حدودی قافله را گرفت حران قافله و تمام تجار و این قافله را بردند پیش این غلام چشمه این تاجر که غلام افتاد روی بان عادت قدیمی که باین تعظیم میکرد باو

عادت این موضوع دو چیز است:

عادت این موضوع دو چیز است:

عادت این موضوع دو چیز است:

عادت این موضوع دو چیز است:

عادت این موضوع دو چیز است:

عادت این موضوع دو چیز است:

پرخاش کرد که چرا دست از شرارت بر نمیداری فلا هم که چندین مرتبه شلاق خورده بود گفت بیخبرید اگر میدانستم که شما اینجا بودید دست باین کار نمیزدم ، گفت سوار شو برو گفت چشم ، بعد از این تاجر پرسیدند که چطور شد که چشمت که باین غلام افتاد همه که از این مبتز سینه فوری باین تعکم کردی و این حرف ترا قبول کرد گفت من افلا هزار مرتبه باین شلاق زدم و چون چشم باین افتاد چون او را شلاق زدم بدم بعضی اینکه او را دیدم و گفتم چرا کت کن فوری چرا کت کردی و رفت ، بسلام هم گفتند که چرا از این بی مرد ترسیدی گفت این هزار مرتبه مرا شلاق زده بود رعب او هم در دل من بود ترسیدم و شامت بخردم ، مقصود این بود کارمندان دولت وقتی چشمشان بوزیری میافتد که بترسد سال ده سال همه اختیاراتش دست این وزیر بوده است اینجا خواهی نخواهی مرعوب میشوند و نمی توانند استیضاح کنند از این وزیر که برخلاف قانون کار کرده اند اگر دیدند که یک تصمیمی متوجه اوست تقاضای تعقیب او را کنند ، موضوع دیگری که میخواستم عرض کنم اینست که هر یک از آقایان که بجنس آمده اند اینجا همیشه دلشان میخواهد که چندین دوره دیگر هم در مجلس باشند مثل اینکه خود من که در این دوره بجنس آمده ام از ۵ یا ۶۰ نفر که باین بجنس آمده اند همیشه بمن میگفته اند آزاد بفکر دوره آتی باش البته نصایح اینها از اثر محبتی بود که بمن داشتند البته یک آدمی که بمن نصیحت میکند که بفکر دوره آینده باشم برای خودش هم این فکر را می کنند و بقیه بنده نقطه ضعف اینجاست ، برای اینکه یک نفر آدم که میخواهد در ایران و کبیل شود این قدر ترس ندارد که او کبیل شود ، برای اینکه و کبیل شدن بدون قدرت داشتن نمیشود در کشورهایی که وضعیت مشروطه آنها روی یک اصول و قاعدهای است قدرت هبارت است از تشکیلات حزبی هر کس که میخواهد موفق شود می رود داخل میشود در یکی از احزابی که مطابق فکر و سلیقه اوست آنجا فعالیت می کند کوشش می کند زحمت می کشد جلب توجه افراد حزب را می کند و بدهم حزب او را کاندید میکند و انتخاب می کند ، یا نیست که نسبت بیک مجلسی خدمتانی میکند اهالی محل موقع انتخابات باو رأی میدهند ، ولی متأسفانه در کشور ما احزاب قوی وجود ندارد که اشخاص بروند در آنجا داخل شوند و بعد آن احزاب کاندید هائی معلوم میکنند و رأی بدهند که این آدم و کبیل شود ، خدمت کردن با اهالی محل هم شرط و کبیل شدن نیست ، بر فرض هم که کسی خدمتانی بکند و وقتیکه انتخابات شروع میشود مردم بخواهند باورای بدهند صندوق راهوش میکنند (سزوار) — یک بشمار همرا تصفیه میکنند) پس بنابراین این قضیه هم که درست در نیاید بنده میخواستم متلی بزنم ولی نمی گویم پس اگر کسی خواست و کبیل شود باید بیکی از مراکز قدرت دولتی زدند شود تا اینکه آن مرکز قدرت دولتی باو کمک کند و او و کبیل بشود ، البته مراکز قدرت دولتی وزراء هستند ، قشون است ، ژاندارمری و اینها هستند وقتی بنشیند اشخاصی که در مجلس هستند بخواهند دوره آینده خود را تأمین کنند و بیکی از این مقامات نزدیک شوند و توسل شوند در آن مقام ها هم آنها را تحت حمایت خودشان نگاه داشته اند البته از اینها یک چیزی

میخواهند ، اینکه معادله متعادل است ، من میخواهم و کبیل بشوم باید بر بنس لشکر ، وزیر - نخست وزیر توسل شوم او هم مرا کمک می کند یک چیزی میخواهد مفت که نیست (مهندس رضوی - این کالت چه افغانی دارد) بنده هم همین را میخواهم عرض کنم این مرا گزی که بخواهند مرا و کبیل کنند از مابک چیزی میخواهند باین است که یک لواجی میارند و در ماباید برخلاف عقیده خود با آنها رأی بدهیم (کشاورز صدر - پس بهیچ دولتی نباید رأی داد) بنده قضیه همان در وزارت است (خنده نماینده کان - زنگ رئیس) اینها همه را نگاهدار آخر بیار (خنده نماینده کان) به وقتی هم که اینها از مابک چیزی خواستند وقتی که بنشیند آقایانی که در مراکز قدرت نشسته اند چیزی خواسته باشد وضعیت مملکت اینست که می بینیم و ما بهیچ وجه من الوجوه نمی توانیم در مقابل چیزهایی که مخالف مملکت می بینیم مقاومت کنیم برای اینکه آینه همان تأمین بشود من که آنرا اینجا هستم و این حرفها را میزنم برای این است که نهادم میخواهد در خانه ، قالی متری سیصد تومان افتاده باشد نه میخواهم که خانه ام باغ باشد و نه میخواهم که دوره آینده و کبیل بشوم ، برای این است که این حرفها را میزنم اگر من هم میخواستم استفاده کنم و دوره آینده و کبیل بشوم خیلی آدم مؤدب و مطیع و فرمانبرداری بودم و بهیچ وجه من الوجوه این صحبتها را اینجا نمیگفتم یکی از فلاسفه قدیم میفرمود غلامی روزی اربابش باو گفت من مهمان دارم و بهترین غذا ها باید برای من درست کنی وقتی غذا را آوردند دید همه زبان بود پرسید چه شد که برای من زبان درست کردی شرح مفصلی گفت که زبان چه خاصیتها دارد میتواند جلب قلوب کند ، بعد از چندین بار گفت بدترین غذاها را برای من درست کن باز او از زبان درست کرد و گفت چه شد که بدترین غذاها را هم از زبان درست کردی شرح مفصلی در مذمت زبان گفت ، بنده هم میخواهم عرض کنم که مجلس شورای ملی بکفتهای است که میتواند ملت ایران را بر فراه سوق دهد و نیز بکفتهای است که میتواند ملت ایران را بسوی بدبختی ببرد و مملکت را بی نظم و ترتیب کند حالا در این قضیه اکثریت مجلس شورای ملی جایی است که تصمیم بگیرد راهی بسوی پادیه خیر میرود ، راهی بسوی هاویه اکنون مخیر است اگر مجلس شورای ملی بخواهد میتواند هر تصمیمی که راجع بصالح مملکت ایران باشد بگیرد خودش میدانند در مقابل فرزندان آتی ایران من در مدت ۴ سال زندگی سیاسی که داشته ام که همش و در سیاست بوده ام یک تجربیاتی تحصیل کرده ام و آن تجربیاتی من هبارت از این بوده است که در کشور ایران از جهت سال قبل سابقه تازی جریان داشته است سابقه تازی اصطلاحی است که در سیاست های خارجی استعمال میشود یعنی تخریب من مقدمه که از جهت سال قبل تا اکنون یک سیاست تخریبی در ایران وجود داشته است سیاست تخریب عجز از بپ ایتمی زیاد تر است زیرا البتایم میباید یک شهری را خراب میکنند ولی سیاست تخریب مثل موربانه میباید یک مملکتی را بخورد و خراب میکنند و ازین میبرد این سیاست تخریب از طرف دولت انگلستان در ایران چهار سال است که شیوع دارد و ملتش هم اینست که از زمانی که انگلیس ها هند را گرفته اند

زیادی از رجال خود را بشرق فرستادند که مطالعه ای بکنند که هندوستان محفوظ بماند این اشخاص که آمدند طبق کتابهایی که خودشان راجع بایران نوشتند دو نظر دارند یکی این است که ایرانی باید گرسنه باشد تا اضاحت کند و هرب سیر و یکی دیگر اینست که در اطراف هندوستان یک بیابان کمزوری باشد که هندوستان حفظ شود اینها در کتابهایی که رجال سیاسی شان نوشته اند نوشته شده است ، سیاست تخریبی که در ایران وجود داشته و الان هم ببقیده من وجود دارد اینها توسط آموزین خارجی نیستند غالباً اینها توسط همین افرادی که در این کشور دارند اعمال میشود و این روزگار سیاهی که ملت ایران دارد در اثر همین تخریب بوده است زیرا کشور ایران یک کشوری است که تمام منابع ثروت آن هنوز دست نخورده است ، نفت دارد ، طلا دارد ، رودخانه دارد و همه چیز دارد ولی با تمام اینها ملت ایرا در فشار است (صحیح است) در موقعی که میخواستند راه آهن را درست بکنند وسد اهواز را ببندند ، بزمهندس بود در آنجا یک نقشه ای طرح کرد که حالا که دولت ایران دارد سد را می بندد و دارد پل برای راه آهن درست میکند برای راه آهن جریقی هست مهندس هست همه چیز هست و سایر پل هست با یک مختصر پول کمی هم میشود صرف کرد و آنها را در اراضی خوزستان جاری کرد ، بعضی اینکه این مهندس که گویا آمریکائی بود این پیشنهاد را کرد بعد از دو سه روز مهندس راهوش کردند و یک مهندس انگلیسی آوردند اینکه آمد یک گزارش تهیه کرد داد که بمناسبت اینکه دولت ایران خیلی عجله دارد که این راه آهن درست بشود ، این اقدامات نمی شود پس از آنکه راه آهن درست شد این اقدامات میشود این مالیات هائی که من از این مملکت میگیرم اگر رعایای خودشان بگیرند ملاحظه می کنیم که مالیات های ما شاید از بعضی از کشورهای دیگر کم زیاد تر باشد ولی این مالیات هائی که گرفته میشود هم تفریط می شود روی همان تخریب و سابقه تازی یک خرج هائی برای مملکت درست میکنند که بهیچ وجه من الوجوه مقید بحال مملکت نیست و مملکت از این راه نمیتواند بهره برداری کند ، ولی هم مردم را لغت وقفیر میکنند و هم پولها را میگیریم ، مثلا بانک کشاورزی یکی از بانک هائی باید باشد که سرمایه این از بانکهای دیگر زیاد تر باشد برای این که کشور ایران یک کشور فلاحتی است و کم کم میکند بزارعین و کشاورزان ولی سرمایه این بانک را وقتی ما نگاه میکنیم می بینیم که دارای یک سرمایه ای است که بهیچ وجه من الوجوه برای کشور کافی نیست بلکه برای یک استانی هم اگر بخواهد عمران و آبادی بکند کافی نیست ولی در عرض دهم میلیون تومان میروند تخصیص میدهند بنده بانک ملی در بازار بجای اینکه بیبانک کشاورزی بدهند ، مثلا شرکت فرش درست میکنند که بهیچ وجه من الوجوه مقید بحال کشور نیست سالی نیم میلیون تومان بدهد دارد ، آقایان پول را بدهید بفرهنگ این سیاست در ایران وجود داشته است و الان هم وجود دارد و بهیچ وجه من الوجوه کسی نیست فکر بکنند و این سیاست را از بین ببرد و اقداماتی بکنند که ملت ایران وی یای خودش

بایستد و کارهایش را مطابق میل خودش رسیدگی بکند ، من از سبزواری که بر گشتم خواستم چند باب مدرسه برای دهات سبزواری درست کنم تمام دهات رفته و معارج اینها را بر آورد کردم هر دبستانی فر حدود ۷ الی ۸ هزار تومان ... رئیس - آقای آزاد تأمل بفرمائید اکثریت نیست (پس از چند دقیقه اکثریت حاصل شد) بفرمائید . آزاد - در سبزواری من میخواستم در حدود ۱۰ بیست سی تا دبستان درست بکنم با سبزواریها و با مالکین آنجا صحبت کردم افدشان گفتند ما پول این دبستانها را می دهیم من آمدم به طهران دیدم که کافعی برای من نوشتند که ممکن است یک اشکالاتی پیش بیاید در بعضی دهات و بعضی مالکین این پول را ندهند و ما هم مجبور بشویم که بوسیله امته از آنها بگیریم ، من فکر کردم در آن موقع با رسال که اگر دو ماه نقد و شکر و چای اهالی سبزواری را اجازه بدهند که ما بفروشیم ملازاد این را برای ساختمان دبستانها اختصاص بدهیم یک کار بزرگتی است در حدود ۱۶۰ تن هر ماه سبزواری شکر سهمیه دارد ما حساب کردیم دیدیم هشتصد هزار تومان در دو ماه تفاوت این میشود باقیمت بازار آزاد در بازار آزاد چهار تومان و نیم بوده وزارت دارائی هم میداد ۱۸ قران هشتصد هزار تومان تفاوت دو ماه این نقد و شکر بود البته آقایان می دانند که غالباً این نقد و شکرها را هم مردم نمی دادند وقتی که میدادند بدارائی یک عده اشخاص می آمدند و زد و بند میکردند و شکر مردم را میبردند می فروختند من تلگراف کردم با اهالی سبزواری که تلگراف کنید بر رئیس الوزراه و وزارت دارائی دو ماه نقد و شکر شماره در بازار آزاد بفروشند و ملازاد آنرا دبستان در سبزواری بسازند ، با این پول چهل باب دبستان درست میشد و یک مقدار هم زیاد میدانند این تلگراف من رفت چندین تلگراف کردند در حدود هزار تومان پول تلگراف دادند و این تلگراف ها برای وزیر دارائی بود و هیئت وزیران و یک عده ای دیگر که شما دو ماه نقد و شکر و چای ما را در بازار بفروشید و ملازادش را تحت نظر یک کمیسیونی که یکی از طرف وزارت دارائی باشد و یکی فرهنگ با حضور چند نفر افراد معتمد محل این پول صرف شود برای ساختن دبستانها من آمدم این آقای وزیر را دیدم باین آقای وزیر گفتم کاین اهالی سبزواری یک چنین تلگرافی کرده اند و این بهیچ جا بر نمی خورد خوبست که موافقت کنید گفتند من باشادمان باید صحبت بکنم او رئیس کل اقتصاد است با او هم که صحبت کردند او گفته بود از نقطه نظر اداری عیب ندارد یک شکر است مال اهالی سبزواری و تقاضا کرده اند که بفروشد و پولش را برای ایشان اختصاص بدهند ما نمی ندارم بعد این آقای وزیر بمن گفت که اگر چنانچه آمدند یک عده ای از سبزواریها گفتند که ما شکرمان را نمی دهیم تکلیف چیست ، برای اینکه این تلگرافات مال تمام نیست من یک کافعی نوشتم داد با آقای دکتر همیمن که اگر بکنند ده نفر صد نفر هزار نفر آمدند گفتند که ما شکرمان را نمی دهیم من از خودم میبهم (بکنفر از نمایندگان - شما که چیزی ندارید) اعتبار داشتیم علاوه هم که نیک گفتند بعد آقای وزیر بمن گفتند

که خوب اگر سایر شهرستانها آمدند گفتند نقد و شکر ما را بفروشید صرف دبستانها بکنند آنوقت چکار بکنیم گفتیم چه مانعی ندارد شما خودتان باید مردم را تشویق بکنید که شما یک ماه نقد و شکرمان را بفروشید برای ساختمان دبستان این عیبی ندارد این مال خود مردم است و بدرات هم ضرری نمی خورد گفتند خیلی خوب پیشنهاد کنید بعد از چند روز گفتند پیشنهاد رد شد گفتیم چرا رد شد گفتند بیست وزیران رد کرد گفتیم آخر این عیبی نداشت ضرری بکسی نمی خورد بمن گفتند که شما بروید وزرا را یکی یکی ببینید تا من دومرتبه بهیئت وزیران بیرم گفتم بسیار خوب رفتیم پیش آقای منصور السلطنه عدل بمن گفتند حرفی ندارم رفتیم پیش آقای سید احمدی وزیر جنگ گفت که من حرفی ندارم بعد از چند روز رفتیم پیش آقای وزیر است و تلگراف او هم بمن گفت حرفی ندارم بعد از چند روز دیدم رد کردند این بغیر از سیاست سابقه تازی چیزی نیست در این مملکت ! این پول خود مردم است پولی است که خود مردم میخواهند بدهند برای اینکه بر ایشان دبستان درست کنند و این شکر است که خود مردم نمی خورد و امانه محل و مأمورین میرند و بند بست میکنند ! بهیچ مناسبت اینشن موافقت نکردند که این نقد و شکر فروخته شود و بصرف ساختمان دبستان و تعمیر فرهنگ آنجا برسد ! در صورتیکه بعد از ۳ ماه دیگر آقای نجم الملک آمد جیره بندی و نقد و شکر را مافی کرد اینها سیاست تخریب است در این مملکت که میخواهند این مملکت از بدبختی نجات پیدا کند و الا اینکه بجای بر بنیخورد اهالی که حاضر بودند یک مدرسه برایشان درست کنند (عبدالرحمن فرامرزی - انوش خوب بود یا بد ؟) صحبت سر انوش نیست صحبت سر این است که مردم می خواستند با پول خودشان ده بیست مدرسه درست بکنند نگذاشتند حالا من انوش را حرفی نمیزنم باید اشخاص مقصد اظهار عقیده بکنند چون من اطلاع اقتصادی ندارم که اظهار عقیده بکنم (مهندس رضوی - انوش بسیار کار خوبی بود) من از شهریور که آمدم بیهون البته آقایان میدانند سعادت یک ملت و حفظ استقلال یک مملکت روی سه اصل مستحکم بنا شده است اول وضعیت اقتصادی است که بایستی مردم نان داشته باشند آب داشته باشند خانه داشته باشند بعد مسئله بهداشت است باید مردم سالمی در مملکت باشند که بتوانند بروند درس بخوانند بتوانند بروند در مزارع ، در کارخانه ها کار کنند بعد از این دو قسمت مسئله فرهنگ است یک ملت تا وقتی که فهم و دانش نداشته باشد نمیتواند از حیثیت و شرافت خودش دفاع بکند و نمیتواند وسائل ترقی خودش را فراهم کند موضوع اقتصاد که مهمتر از همه چیز است از شهریور تا بحال مثل گومی شده است که هر کس بآن یائی زد و پرت کرد بیک طرف ، بعد از شهریور وزارت پیشه و هنر بود ، وزارت پیشه و هنر بود که بیشتر امور اقتصادی ما را در آنجا تمرکز بود آمدند یک وزارت خواربار درست کردند یک مقدار از این وزارتخانه ها را انتقال دادند بوزارت خواربار صد و پنجاه میلیون تومان هم برای آن بودجه تعیین کردند بعضی اینکه وزارت خواربار خواست یک نظم و ترتیبی در کار بدهد وزارت خواربار و ارتعاع کردند بعد از انحلال وزارت خواربار آمدند امور اقتصادی را بردند بوزارت دارائی یک

کمیسیونی تشکیل دادند که در کابینه آقای بیات که امور اقتصادی در تحت نظر آن کمیسیون باشد ، شش ماه تحت نظر آن کمیسیون بود ، باز آمدند انتقال دادند بوزارت پیشه و هنر ۳ چهار ماه بیشتر آمدند از وزارت پیشه و هنر یک مقدارش را اختصاص دادند ببانک صنعتی درست وضع اقتصادی مملکت را از بعد از شهریور مطالعه کنید مثل توپ فوتبال بوده که از این طرف به آن طرف پرت شده است البته وقتی بنا شود که یک موضوع اساسی را تحت نظر یک عده ای سالهای سال اداره نشود و بآن کار رسیدگی نشود غیر ممکن است کار آنجا یک بهره برداری کرده سنده دیگری که میخواستم عرض کنم مسئله جنوب ایران است اگر آقایان درست دقت کنند می بینند که وضعیت جنوب ایران روز بروز تحلیل میرود همیشه کم میشود فقر و پریشانی در مناطق جنوبی بیشتر از مناطق شمالی و مناطق مرکزی است و هر روزه آقایان در روزنامهها میخواهند که جمعیت بندر عباس کم شده است و جمعیت از بین رفته است بندر لنگه جمعیتش از بین رفته است و همینطور تارسیده است حالا به سیستان که آبش خشک شده است و مردم دارند ازین میروند و هر روز هم مردم صحبت میکنند از وزارت خارجه سؤال میشود هیچ نتیجه ای هم گرفته نمیشود بهیچ وجه کسی ترتیبی اثری نمیدهد می گویند مشغول اقدامات هستیم و آنها مشغول کار خودشان هستند سؤال میکنند ولی اثری مترتب نیست من امیدواری دارم که نمایندگان محترم با حسن نیتی که دارند یک قدری در وضعیت اساسی کشور ایران مطالعه بفرمایند موضوع خدمت به مملکت و اداره کردن مملکت ببقیده من این نیست که ما یک دولتی را انتخاب بکنیم و دولت یک چیزی راجع سیاست روزمره بگویند و ما قبول بکنیم یا نکنیم و دولت یا بماند یا نماند یک مسائل اساسی مهم هست برای مملکت که بایستی با آنها توجه و دقت کرد و آن مسائل هبارت از نفوذ های خارجی در ایران و این نفوذ های خارجی است که مملکت را باین روز بدبختی و بیچارگی نشانده است ببقیده من آقایان نمایندگان باید در وهله اول نظرشان این باشد که نفوذ خارجی را از ایران بردارند رسمی و کوشش بکنند که تمام امور داخلی و خارجی ایران با نظرات خود ملت ایران حل بشود ، میخواهم یکی دو سه موضوع که راجع بضرر ایران و نفقت اجنبی هست در اینجا عرض بفرمایم آقایان برسانم ممکن است بعضی اشخاص تصور کنند که آزاد خیلی مبالغه میکنند چون شنیده ام در ایران ولی من از این عقیده ام بر نمیگردم برای فوق العاده در تمام شئون اجتماعی و سیاسی مداخلت دارند ، من عضو چندین جمعیت های خیریه و اسلامی هستم رفته بودم بسبزواری درس بوزار را دیدم که در اتحادیه مسلمین یک جمعیت زیادی جمع شده اند و آنها یک عده خیلی زیاد شاید سی هزار نفر اسم نوشته اند که بروند فلسطین وقتی آمدم من که عضو هیئت مدیره اتحادیه مسلمین هستم دیدم وضعیت اتحادیه دارد بهم میخورد در ماه رمضان دوسه شب رفتیم و کسی نیامد بعد پرسیدم چرا نیامدند گفتند یک جاسوس انگلیسی در اینجا بود از آبادان آمده

بود و داشت تمام چرخ اتحادیه را میچرخاند بعد ما فهمیدند و بیروش کردند. با وقت یکی از رفقای حزب استقلال ما آمد پیش من گفت که آزاد گفتم بنی گفت من یک روزنامه ای میخوانم بنویسم اگر چنانچه رفقای حزبی که امتیاز دارند با آنها بگویند که این امتیاز روزنامه را بدهند خوب است گفتم چهار میخوانم بکنی گفت باشکاه ورزش داریم و میخوانیم راجع مسائل ورزش هفته ای یکی دو روز مطالبی بنویسیم من بدکتر حسن قاضی که عضو حزب استقلال بود و روزنامه راستگو را داشت گفتم روزنامه ات را بده باین آقای رفیق و شب صحبت کردیم که روزنامه را در اختیار او بگذارند صبح آمد و بن گفت آزاد گفتم بلی گفت این دیشب وقتی که ما صحبت کردیم راجع پروژنامه گفت بول روزنامه را میخوانند انگلیسیها بدهند گفتم هنوز بول روزنامه را انگلیسیها میخوانند بدهند گفت من گفتم خرج روزنامه را کی میخواند بدهد گفت انگلیسیها فردا آمد پیش من گفتم موضوع قضیه چه بود گفت بلی میخوانم روزنامه را بنویسم راجع مسائل ورزش گفتم بول روزنامه را کی میخواند بدهد گفت که انگلیسیها ما گفتم که تو از کجا با آنها آشنایی پیدا کرده ای گفت یکی از آنها در باشکاه ورزشی با ما آشنا شد و دوسه مرتبه هم بخانه ما آمد با خانم انگلیسی خود و با ما آشنا شد گفت اگر بیک روزنامه بنویسی بنو کمک میکنم گفتم چه خواست توی روزنامه بنویسی گفت هیچ چیز نخواست فقط گفت چندمکس از ورزشکاران را ما می آوریم گزارش میکنند و سرمقاله روزنامه را هم می نویسیم میخوانم عرض کنم که در جمیع شئون ما خارجی ها دخالت میکنند و این برخلاف انصاف و روست است که بیک ملتی که مهد تمدن بشر بوده است آنقدر بیرحمی و بی انصافی کنند.

کیلومتری سی دینار حساب میکنند با ما هم باید همین معامله را بکنند همین قیمت حساب بکنند یعنی ما هم که محمولاتمان را حمل و نقل میکنیم باید تن کیلومتری سی دینار بدهیم در صورتیکه این دو موضوع بیکدیگر ارتباط نداشت راه آهن و وزارت جنگ هر دو مال کشور ایران بوده محمولات وزارت جنگ هم مال ایران بود ولی متفقین خارجی بودند آمده بودند بجهوم کشور ما را اشغال کرده بودند اینها حق نداشتند که با ما بگویند شما بایستی همان قیمتی که برای محمولات جنگی خودتان یعنی سی دینار قرار داده اید باید با ما هم همان معامله را بکنید اینها آمدند این کار را کردند بدهیم این آقایانی که اینهمه اظهار وطنپرستی اظهار احساسات میفرمایند بچه چه من الو جوه اعتراض نکردند آمدند نشستند گفتند بسیار خوب شما هم تن کیلومتری سی دینار بدهید مطابق صورتی که خود متفقین دادند بوزارت راه خودشان دادند چون کنترل هم خودشان میکردند شش میلیون چهارصد و هشتاد هزار تن اینها محمولات حمل کردند از جنوب بطرف شمال شش میلیون و چهار صد و هشتاد هزار تن این صورتی است که خودشان داده اند مطابق همین تصدیقی که خودشان آمده اند اینجا کرده اند که ما تن کیلو متری سی دینار بدهیم دویست و هفتاد و نه میلیون تومان کرایه این محمولات میشود از قرار تن کیلو متری سی دینار در صورتیکه مطابق تعرفه راه آهن ایران که درجه پنجم تن کیلومتری سه هجاسی بود و با ما بایستی بول میدادند دو مقابل این مبلغ میشد یعنی ۵۰۰ میلیون تومان آقایان بعد از اینکه آمدند و این موافقت را خودشان کردند بیکمخارجاتی هم گفتند که ما کردیم منجمه از مخارجاتشان این بود که ما چند نفر صاحب منصب در ایران داشتیم بول آنها را هم راه آهن باید بدهد این با ما چه مربوط است کیلو صاحب منصب آنها را ما بدهیم از طرف آنها ایلیف آمده بود ایران که نماینده بازرگانی بود این ایلیف دو سه مرتبه آمد صحبت کرد بعد از صحبتها گفت دولت انگلستان فقط پنج میلیون لیره اعتبار برای اینکار دارد و بعد از اینکه محاسبه کردیم این مبلغ را بمیرد ازیم بعد این ایلیف از ایران رفت و برت سن نماینده بازرگانی از طرف انگلستان آمد که یک کمیسیون مختلطی از نماینده دارائی نماینده وزارت راه و این برت سن تشکیل شد اینها آمدند رسیدگی کردند پولهایی را که خودشان تقریباً بحساب می آوردند یکی دوازده میلیون تومان پولی است که آمریکاها می گفتند ما اسباب بدکی برای راه آهن آورده ایم یک میلیون و چهار صد و هشتاد هزار لیره انگلیسیها گفتند ما مخارج صاحب منصبان کرده ایم اینها آمدند همه حسابانرا قبول کردند طبق اظهاراتی که خود برت سن باین کمیسیون دارائی تصدیق کردند که تن کیلومتری سی دینار بدهند مطابق حسابی که خودشان کرده اند شش میلیون و چهار صد و هشتاد هزار تن هم حمل کرده اند ۱۱۰ میلیون طلب ایران شده است مطابق تصدیق قبلی که خودشان کرده اند آن وقت آقای وزیر ۱۱۰ میلیون طلب ایران را که خود آنها کردند بدهند و دو میلیون تومان که پنج میلیون و هفتصد هزار لیره باشد آمده است مصالحه کرده است و آن وقت

دو میلیون لیره از این مبلغ را هم گفته اند ما فشنک میدهم در موقعی که جنگ اول تمام شده بود ما در مشهد بودیم انگلیسیها رفتی که میخواهند برومان فشنکها و گلوها هائی که در آنجا داشتند با این همه مهلت جنگی چه میکنند اینها را می بختند باینجا میزدند و اغلب اوقات مشاهده میشد که تمام شهر بلرزه در می آمد چرا این کار را میکردند برای این که برای آنها احتیاجی نبودند برای انگلیسیها خرج میکردند برای این که میدیدند اینها بدرشان نمی خورد حالا آمدند با آقای وزیر گفتند از این بطلب راه آهن که این قدر خراب کرده اند و از این بردماند و بعد از این که ۱۱۰ میلیون تومان را به ۷۲ میلیون صلح کردند دو میلیون لیره آنرا هم فشنک بگیر و ۱۵۰ میلیون تومان هم مخارج حمل و نقل آن را حساب بکنند حالا من میخوانم بیه آقایان بگویم که این ها بیک عملیاتی است که خیانت بمملکت است و این عملیات را این آقایان انجام میدهند (صاحب است) برای این که شما صاحب دولت ایران را آنچه هست وصول نمیکند چرا وصول نمیکند؟ شما اگر نماینده ایران هستید چرا رسیدگی نمیکند که این پولها را بگیرند؟ اگر نماینده ایران نیستید پس چرا در رأس یک مملکتی قرار گرفته اید؟ مطابق تصدیق بیکه در این قرارداد درج شده است متفقین تصدیق کرده اند که اگر بعد از ۶ ماه حساب ایران را نصفه نکنند تمام مطالبات ایران را لیره طلا بپردازند طبق قرارداد این که با ما بسته اند آقای وزیر تشریف بردند لندن وقتی وزیر راه بودند اگر خاطر آقایان باشد سه ماه در آنجا بودند و هیچکس نفهمید برای چه رفتند؟ و هر کجا که صحبت میشد میگفتند مسافرت مرموز است (حسن کبر- گزارش دادند شما تشریف نداشتید) یکی از سقائانی که برای ما آوردند این است که این ۵۰ میلیون لیره ای که ما طلبکار بوده ایم در آنجا با ما داده اند و من ریختم توی بانک گذاشته ام امانت

نخست وزیر - کدام پنج میلیون تومان؟ همین ۵۰ میلیون را میفرمایند که حالا صحبت است و من و شما هم هنوز قبول نکرده ایم من در چهار سال پیش گذاشته ام توی بانک؟

مکی - خطاب آقای نخست وزیر وسط حرفشان حرف نزد بکنند حرفشانرا بزنند

آزاد - شما قبول نکرده اید؟ شما هر روز بر داشته اید تصویبنامه صادر کرده اید که سیصد هزار لیره برای راه آهن از این بابت اسباب بخرند این را یاد داشت کردید چطور شما قبول نکرده اید؟ الان تصویبنامه ای که صادر کرده اید در کمیسیون ارژ موجود است تصویبنامه صادر کرده اید که سیصد هزار لیره از بابت این ۵۰ میلیون برای راه آهن اسباب بخرند متأسفانه گفتم که در این مملکت هر خوانتی که میشود هر عملی که میشود کسی نمیرسد برای چه؟ مجلس شورای ملی پنج نفر را تعیین نمیکند که نگاه بکنند رسیدگی بکنند اقبالیات عده ای تعیین کنند که این پرونده ما را ببینند بعد اگر گویند بده گفته بودند کذب بکنند اگر قضایا صحیح است که تکلیفش را همین کنید ایشان تشریف آوردند گفتند راه آهن خراب است چون ما بول نداریم بایستی مجلس شورای ملی موافقت کند که این ۵۰ میلیون و هفتصد هزار لیره

گرفته شود و دو میلیون لیره را که برای فشنک و تسلیحات است منهای شود و بقیه برای راه آهن صرف بشود بنده اینجا اسناد و مدارکی دارم که واقفم رفت آور است خیلی وقت آور است من میخوانم این را با آقایان عرض کنم که اگر چنانچه باینکاهی یک بنگاه راه آهن واقفانه ضرر داشته باشد ما حاضریم گذر و کلاهمان را بپوشیم و بدهیم برای راه آهن و بنگاه راه آهن را درست کنیم که بنگاه راه آهن ضرر نداشته باشد ولی این پولهایی که در آنجا هست روی همان سیاست تخریب همه فتنه میشود و ما هم بایستی حاضر بشویم که ۱۸۰ میلیون طلبی که ما از انگلیسیها داریم از بابت راه آهن به ۷۲ میلیون صلح شود و مبلغ ۷۲ میلیون هم از بین برود راه آهن ۹۲ میلیون تومان مخارج دارد بودجه اش هست حالا ملاحظه بفرمایید این ۹۲ میلیون تومان چگونه فتنه میشود بنده چند نفر از مخارج یعنی یک قسمت از پولهاش که در راه آهن فتنه میشود و جز ما اسناد رسمی است اینجا برای آقایان میخوانم این مال سال ۱۳۲۶ است رونوشت قسمت حسابداری ارسال و اعلام میشود علاوه بر خریدهای بالا که جنبه تشریفاتی داشته و با وجود کسرو دخل بودجه بنگاه کاملاً بر خلاف اصول صرفه جوئی و ضرورت رفتار شده است (ببینید چه مخارجی شده است)

اول برای اطاق آقای مدیر کل به بیند چقدر بول فتنه شده است:

- ۱ - سند شماره ۵ خلاصه حساب شماره ۳ فروردین ۱۳۲۶ الف اعتبار خرید این بولی است که خرج شده ملاحظه کنید ۱۸ متر مشمع برای کف اطاق انتظار خصوصی آقای مدیر کل مبلغ ۵۰۴ ریال انتظار خصوصی آقای مدیر کل مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال انتظار خصوصی آقای مدیر کل خریدند اند به ۵۰۴۰ ریال
- ۲ - سند شماره ۹ خلاصه حساب شماره ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۶ الف خرید ۱۲۳ متر پرده مغزل بشمی برای اطاق های انتظار و کنفرانس آقای مدیر کل مبلغ ۳۴۵۸۲ ریال (یکی از نمایندگان مدیر کل کی بوده؟) آقای هدایت است اینها پولهایی است که خرج شده و میگفته اند ما ببول نداریم
- ۳ - سند شماره ۱۰ خلاصه حساب شماره ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۶ الف خرید ۹۸ متر پارچه پرده ابریشمی برای اطاق آقای مدیر کل مبلغ ۱۱۷۶۰ ریال
- ۴ - سند شماره ۴ خلاصه حساب شماره ۱۱ اردیبهشت ۲۶ الف ۸۱ متر پارچه نورپرد برای اطاق های کنفرانس و انتظار آقای مدیر کل مبلغ ۸۹۱۰ ریال
- ۵ - سند شماره ۴ خلاصه حساب شماره ۱۴ خرداد ۱۳۲۶ الف خرید ۱۰۰ جلد شورو و سلا کوبی تقویم ۴۶۰۰ ریال
- ۶ - سند شماره ۴ خلاصه حساب شماره ۱۴ خرداد ۲۶ الف خرید ۳۰۰ جلد شورو و سلا کوبی تقویم ۱۳۴۰۰ ریال
- ۷ - سند شماره ۳ خلاصه حساب شماره ۱ خرداد ۲۶ الف خرید ۱۰۰ جلد شورو و تقویم ۶۰۰۰ ریال باز صد جلد شورو و تقویم ۶۰۰۰ ریال سند هزینه شماره ۲ خلاصه حساب

شماره ۳ خرداد ۲۶ الف خرید یک کتابخانه با شیشه برای اطاق آقای مدیر کل مبلغ ۱۲۵۰۰ ریال سند هزینه شماره ۲ خلاصه حساب شماره ۳ خرداد ماه ۱۳۲۶ الف خرید یک میز زیر تلفن برای اطاق آقای مدیر کل مبلغ ۲۵۰۰ ریال یک کتابخانه با شیشه برای آقای مدیر کل ملاحظه بفرمایید (غنده نمایندگان) سند هزینه شماره ۱ خلاصه حساب شماره ۲ خرداد ماه ۱۳۲۶ الف میز تحریر برای آقای مدیر کل مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال (غنده نمایندگان) سند هزینه شماره ۱ خلاصه حساب شماره ۲ خرداد ماه ۱۳۲۶ الف چهار عدد صندوق برای آقای مدیر کل مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال ملاحظه کنید هر صندوقی ۴۰۰ تومان چهار تا صندوقی خریدند به ۱۶۰۰۰ ریال برای اطاق آقای مدیر کل (غنده نمایندگان) الان کاغذ سفید صندوقی ۴۰۰ تومانی ندارد یک نیم کت برای اطاق آقای مدیر کل مبلغ ۸۰۰۰ ریال یک میز گرد برای آقای مدیر کل مبلغ ۴۰۰۰ ریال (غنده نمایندگان) عدد صندوقی برای آقای مدیر کل مبلغ ۳۰۰۰ ریال سیصد تومان سند هزینه شماره ۳ خلاصه حساب شماره ۱ شهریور ماه ۱۳۲۶ الف یک میز متری برای سخنرانی اطاق آقای مدیر کل مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال (غنده نمایندگان) خلاصه حساب شماره ۱ شهریور ماه ۲۶ الف ۲۴ عدد صندوقی برای سخنرانی آقای مدیر کل مبلغ ۲۸۸۰۰ ریال خلاصه حساب شماره ۱ شهریور ۲۶ الف یک کت یک کتابخانه با دولاچه و وینترین برای اطاق آقای مدیر کل مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال دو هزار تومان

گزارش رسمی است تمام گزارش را بنده خواهم خواند (نمایندگان بفرمایند)

خلاصه حساب شماره ۱ یک میز تحریر مبلغ ده هزار ریال برای اطاق آقای مدیر کل

خلاصه حساب شماره ۱ دو دستگاه جای لباسی به مبلغ سیصد هزار ریال برای اطاق آقای مدیر کل گزارشی مربوط پشت سر این ارقام خوانده خواهد شد

سند هزینه شماره ۴ خلاصه حساب شماره یک شهریور ماه ۱۳۲۶

هشت عدد صندوقی برای اطاق آقای مدیر کل مبلغ ۳۲ هزار ریال

خلاصه حساب شماره یک دو عدد میز گردی برای اطاق

خلاصه حساب شماره یک یک میز دراز پذیرائی به مبلغ چهار هزار ریال یک عدد نیمکت به مبلغ هشت هزار ریال (منصف - برای کجا؟) برای اطاق آقای مدیر کل بنگاه راه آهن (غنده نمایندگان) خلاصه حساب شماره یک یک کتابخانه به مبلغ شانزده هزار ریال غیر از کتابخانه آینه و باز یک جا لباسی مبلغ دو هزار ریال سند شماره یک خلاصه حساب شماره ششم تیر ماه ۱۳۲۶ قالیچه برای انومبیل آقای مدیر کل مبلغ یک هزار و دویست و پنجاه ریال عرض کنم این گزارشی است که داده شده است و مبلغ گش هم سی و هشت هزار تومان است در صورتیکه اضافهای آقای مدیر کل تمام شده بوده است وقتی که این مخارج شده میباید اطاق خود را داده است به اطاق های رئیس کارگزار

و این میباید برای اطاق ایشان خریداری شده است سی و هشت هزار تومان برای میز تحریر و میز گرد و میز دراز پرداخته شده است (غنده نمایندگان) حالا آقایان گزارش را استماع بفرمایند بیه گزارشهای شماره ۹ مورخ ۲۶-۹-۲۳ و شماره ۱۰ تاریخ ۱۰-۶-۲۶ خود باستحضار میفرساند بشرح صورتی که از پیش صندوق قسمت حسابداری گرفته شده در تاریخ آخر روز اول بهمن ماه ۱۳۲۶ با اینکه مبلغ سه میلیون و چهار صد هزار ریال از وجوه مورد تقاضای نواحی را برای پرداختهای دی ماه ۱۳۲۶ حواله نکرده است معذرت مبلغ بیست و یک میلیون و دویست و پنجاه و یک هزار و سیصد و چهل و یک ریال و پنجاه و پنج دینار در حساب متعلقه به بنگاه راه آهن به شماره ۳۰۲۳۹ بانک مودیران کسر موجودی داشته اند که چون وجوه مانده را نیز در این حساب ریخته اند ظاهراً حساب بانکی کسری نشان نمیدهد ولی در محاسبه روشن است که مبلغ مزبور را از وجوه امانی برداشت کرده اند در ضمن مبلغ ۵۵ ریال ۲۵۱۳۴۱ ریال بالا مبلغ ۲۰۵۰۰۰ ریال ۱۲۳۱۹۷ ریال در امانی از نیروی امر (موضوع قسمت اخیر بند ۳ گزارش شماره ۱۱ این حساب) مندرج است که اگر آن را نیز کسر کنیم باز هم مبلغ ۷۰۱۹۳۷۱ ریال کسری مواجه میشود معذراً از وجوه امانی مردم و دولت که متعلق برام آهن نیست برداشته شده و تصرف غیر قانونی بشمار می رود وجوه امانی که در حسابهای راه آهن موجود است عبارت از وجوه مالیات بردار آمد باز نشتگی صدی دو بهداری باشکاه راه آهن تضمین جمعاران سیرده پیمانکاران و غیره تصرف در وجوه بالا بچه چه مجاز نیست و مخصوصاً در مورد وجوه باز نشتگی که ماده ۵۸ قانون استخدام کشوری شرح ذیل را حاکی است وجوهی که مطابق ماده ۵۸ صندوق حقوق و وظائف متقاعدین و ورث متقاعدین داده میشود منحصرأ برای پرداخت حقوق متقاعدین و وظائف ورث متقاعدین و بهیچ عنوان نباید از این محل بصرف دیگری برسد و کسانی که از وجوه صندوق مزبور بصرف دیگری برسانند در حکم سارقین اموال عمومی خواهند بود روش بالا از دو نظر مورد ملاحظه است اولاً از نظر عمل خلاف و تطبیق با مقررات قانونی که ماده ۱۰۲ قانون مجازات عمومی در این باب بشرح ذیل ناطق است هر یک از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین و امانت صندوق دولتی که تقدیر متعلق بدولت یا اشخاص یا اسناد یا مطالبات که بمنزله نقدینه است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که بر حسب وظیفه سیرده بانها است اختلاس یا تصرف غیرقانونی نماید علاوه بر اعمال و تفرقاتی معادل ضعف مال معکوم بانفصال از خدمت دولت از پست تادم سال خواهد کردید تا از نظر مصالح بنگاه راه آهن که بشرح مندرجه در قسمت اخیر گزارش شماره ۹ مورخ ۲۶-۹-۲۳ این جانب شایسته است مورد توجه واقفان مخصوص

قرار گیرد قسمی که راه آهن از این وضعیت پراکنده و ورشکستگی نجات یابد. درخانه لزوماً باستحضار میسراند با روش فعلی هر ماهه مواجه با کسر دخل بیشتری خواهیم شد و با ادامه آن در فروردین ماه ۱۳۲۷ که بانک ملی ایران طبق پیمان منقده مبلغ بیست و سه میلیون ریال بقیه قسط وام سال ۱۳۲۶ را از حساب شماره ۳۰۲۴۹ بنگاه راه آهن بردارد ممکن است با وضعیتی دچار شویم که تمام بجوم بنگاه راه آهن و وجوه امانی مردم و ادارات مصرف شود و علاوه بر مسئولیت و مجازات قانونی دچار افلاس کامل شویم. این وضعیت بنگاه راه آهن است. بنگاه راه آهن فعلاً نود و دو میلیون تومان مخارج دارد و عایداتش کمتر شده است از مخارجش در صورتیکه آقایان میدانند یک شوفرری که یک کامیون میخرد بیست هزار تومان بعد از چند سال هم پول خود را درمیآورد و هم اتومبیل برایش میماند و هم زندگی اداره میشود. یک بنگاهی که اینهمه برایش خرج شده است چگونه میشود کسر خرج داشته باشد. کشورهای دیگری که راه آهن و این قبیل مؤسسات دارند ضرر میکنند. این فقط مختص بدست و علتش این است که تمام پولها نفته می شود همبسطور که ملاحظه فرمودید برای اطاق آقای مدیر کل سی و هشت هزار تومان خرج شده است و اثاثیه خریدند اند حالا بنده یکی دو موضوع دیگر را هم بمرض آقایان میسرانم و باین موضوع خاتمه میدهم اجازه بفرمائید که بنده و لخرجهای دیگری که در سال ۱۳۲۶ در راه آهن شده بمرض برسانم خریدند ۲۴ دستگاه اتومبیل لینکن و غیره، مبلغ دو میلیون و هفتصد هزار ریال که با ارسال این اتومبیلها را خریدند اند. مخارج تعمیر و بنزین اتومبیل یک میلیون ریال که در سال گذشته این مبلغ را فقط برای تعمیر و بنزین داده اند. اضافه کاری رؤسا ماهی نود هزار تومان. بنگاه راه آهن الان مدعی است که

در حدود هشت هزار نفر کارمند زیادی دارد و از نقطه نظر اینکه اگر اینها را بیرون بکنیم گرسنه میمانند اینها را نگاهداشته اند و کار بانها رجوع نمیکند ولی در ماه نود هزار تومان اضافه حقوق میدهند که در سال میشود یک میلیون و هشتاد هزار تومان که باین رؤسائی که در آنها هستند پرداخته میشود. سال گذشته با آنکه خودشان مدعی هستند که هشت هزار نفر کارمند اضافی دارند هزار و شصت نفر کارمند استخدام کرده اند که بودجه آنها در سال ۱۳۲۶ سیزده میلیون ریال شده است با اینصورت خودشان معتقدند که هشت هزار نفر کارمند زیادی دارند (صحیح است) یک چیزی که خیلی قابل توجه است مخارج تشریفات است. که در سال ۲۶ مخارج تشریفات و مهمانی و معمرانه هشتاد میلیون ریال. هشت میلیون تومان شده است در سال گذشته که اینها خرج کرده اند.

رحیمیان - این حساب نیست چیز عجیبی است.

امامی خوئی - این را کی نوشته؟

آزاد - اینها همه اش اسناد رسمی است چند نفر تعیین کنید که بیایند این ارقام را رسیدگی کنند. یک کمیسیون تشکیل بدهید. یک مهمانی کرده اند پنج هزار تومان فقط پول کنیاک و وینسکی حساب کرده اند. تمام این مهمانها خاویار و وینسکی و شامیانی است و با ارسال میخواستند جشنی بگیرند برای راه آهن بعد نمیدانم کی گفت که این جشن لازم نیست. اینها آقا نه هزار تومان پول نغمه و بسته حساب کرده اند پنج نفر تعیین کنید بروند باین حساب برسند. آنوقت آقای وزیر بلند میشوند میآیند اینجا و سینه خودشان را چاک میکنند که آقا بنگاه راه آهن دارد از بین می رود اگر کمک نکنید و اگر شما پول ندهید بنگاه راه آهن از بین خواهد رفت. چرا اینها را رسیدگی نمیکنید الان در حدود بیست و هشت میلیون تومان و لخرجهی سال گذشته راه

آهن است باین و لخرجهی سال گذشته مگر نمی توانستید راه آهن را مرتب کنید (مکی) راه آهن آستین سر خود است) در راه آهن برای انجام مقاصد سیاسی و برای اینطرف و آنطرف پول داده میشود و ما هم که اینجا نشسته ایم بهیچوجه من - الوجوه حاضر نیستیم که پنج نفر تعیین کنیم بروند رسیدگی کنند و به بینند راست است یا دروغ است. الان کسانی هستند که حاضرند راه آهن را اجاره کنند که سال ۶۰ میلیون مخارج کرده. ۲۰ میلیون هم عایدی بدهند در صورتی که الان سال ۱۰۰ الی ۲۰ میلیون کسر خرج دارند که پول از بانک ملی قرض کرده اند حالا اگر آقایان می خواهید تنفس داده شود بنده حرفی ندارم.

رحیمیان - آقای آزاد آن رقم مهمانی و مخارج معمرانه هشت میلیون ریال است یا تومان؟

آزاد - هشتاد میلیون ریال یعنی هشت میلیون تومان. بنده که این مطالب را خواندم اینها ارقام عمده اش بود والا مخارج دیگری هم شده مثلاً ۳۰ نفر فرستاده اند برای اروپا ماهی ۱۵۰ لیره ۲۰۰ لیره بآنرا حقوق میدهند و این ارقام چون زیاد بود خواندم. الان چندین نفر هستند که ماهی دو هزار تومان و چهار هزار تومان میدهند و با شخص معالجه مرض می دهند در صورتی که هیچ مرضی هم ندارند اینها مخارجی است که می شود

(در اینموقع مجلس از اکثریت افتاد)

۵ - **موقع و دستور جلسه بعد**

ختم جلسه

رئیس - پیشنهادی رسیده برای ختم جلسه باید عده کافی شود تا قرائت بشود. چون اکثریت نیست که پیشنهاد خوانده شود جلسه را ختم میکنند جلسه آینده فردا صبح ساعت ۹ دستور بقیه استیضاح.

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - **رضا حکمت**